

## جایگاه دانش پزشکی و تأثیر سلامت جسمی بر سلامت معنوی، با نگاه به متون وحیانی

محمد جواد ابوالقاسمی\*

استادیار الهیات و معارف اسلامی، سازمان سمت، تهران، ایران

### چکیده

هدف پژوهش حاضر تبیین اهمیت و جایگاه دانش پزشکی و تأثیر آن بر سلامت معنوی و نیم‌نگاهی ناقداً به طب اسلامی با نگاه درون دینی، به منظور کمک به توسعه سلامت جسمی و معنوی جامعه است. بدین منظور آیات، روایات و گفتار عالمان و عارفان درباره نقش و جایگاه تندرستی و دانش پزشکی و تأثیر آن بر سلامت معنوی با روش تحلیل نظری از نوع هرمنوتیک مورد بررسی قرار گرفته است. بر اساس یافته‌ها مشخص شد که بین سلامت جسمی و سلامت معنوی رابطه معناداری وجود دارد که هر دو به یکدیگر نیازمندند. همچنین درباره طب اسلامی دریافتیم که از یک سو نمی‌توان احادیث و روایات را نادیده گرفت و از سوی دیگر هم نمی‌توان توصیه‌ها را به عنوان درمان قطعی تجویز کرد و لازم است راه سوم پیموده شود. بنابراین می‌توان نتیجه گیری کرد که اگر تندرستی و سلامت جسمی وجود نداشته باشد و زیرساخت‌های آن در جامعه فراهم نگردد، انتظار رشد و تعالی سلامت معنوی معنادار نخواهد بود و در این زمینه آموزه‌های دینی به عنوان یک منبع قابل بررسی می‌تواند مورد استفاده علم پزشکی قرار گیرد.

**واژگان کلیدی:** سلامت جسمی، سلامت معنوی، طب اسلامی، دانش پزشکی.

تاریخ دریافت: ۱۳۹۹/۲/۲۳

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۹/۳/۲۶

\* نویسنده مسئول:

### مقدمه

با پدید آمدن بیماری فراگیر و مسری کرونا و برخی از افراط‌ها و تفریط‌ها به نام اسلام، ضرورت تبیین دانش پزشکی، تندرستی و تأثیر سلامت جسمی بر سلامت معنوی با نگرش وحیانی بیش از گذشته احساس می‌شود به همین جهت با بررسی در منابع دینی، عرفانی و اخلاقی دریافتیم که حفظ جسم و سلامت جسمی در فرهنگ دینی از جایگاه بسیار رفیعی برخوردار است، چون جسم چونان مرکبی است که باید نفس و روح را حمل کند، لذا اگر این مرکب راهوار نباشد و دچار بیماری و سستی باشد، قادر نخواهد بود روح و جان انسان را همراهی کند. سؤال اصلی در مقاله حاضر این است که سلامت جسمانی و دانش پزشکی در فرهنگ دینی دارای چه جایگاهی است؟ و تا چه میزان می‌تواند به سلامت معنوی که یکی از ارکان چهارگانه سلامت است، کمک کند؟ این مقاله با استفاده از روش توصیفی، تحلیلی و با بهره‌مندی از مطالعات فرا تحلیل، منابع دینی را بررسی کرده است و بعد از بحث و بررسی نتیجه تحقیق را ارائه داده است.

### تعاریف

شناخت واژه‌ها و به دست آوردن وفاق نسبی بر روی اصطلاحات اصلی می‌تواند مسیر بحث را روشن‌تر سازد از همین رو، قبل از

ورود به اصل موضوع، واژه‌های پرکاربرد در این نوشتار مرور می‌گردد.

بیماری (disease) عبارت است از فرایند مرض معینی که دارای زنجیره خاصی از نشانه‌ها است و ناخوشی (illness) وضعیتی است که از طریق انحراف آشکار از حالت سالم و بهنجار مشخص می‌شود. (۱) سلامت، مصدر است به معنی سالم بودن. لذا به ادراک، رفتار و پدیده‌ای سالم می‌گویند که کار خود را متناسب با آنچه برای او ایجاد شده است به خوبی انجام دهد. واژه سلامت و یا سالم بودن به هر چیزی اطلاق می‌شود که آن چیز به خوبی در مدار صحیح قرار گرفته باشد و کار ویژه خود را به خوبی انجام دهد. لذا جسمی سالم است که مجموعه اعضا و جوارح آن به خوبی کار کنند و تمامی اموری چون جذب و دفع را بدون مشکل انجام دهند و عقلی سالم است که در اندیشیدن مشکلی نداشته باشد و روحی سالم است که انسان را در اهداف متعالی انسانی به خوبی هدایت کند و انسانی سالم است که همه ابعاد جسمی، روحی و ذهنی آن در مسیر تعالی انسان و نشاط و رفاه او قرار گیرد و به تعبیر دیگر بتواند رفاه و نشاط او را تأمین کند. سلامت (health) حالت کامل بهیستی جسمی، روانی و اجتماعی است و صرفاً عدم بیماری یا نقص نیست (۱). سلامت صرفاً عدم بیماری نیست، شخص ممکن است از منظر آسیب‌شناسی هیچ‌گونه مشکل و عیبی نداشته باشد، ولی با وجود این سالم هم نباشد. مطمئناً هرگونه انحرافی که در حالت احساسی یا کنش فرد رخ دهد و خود وی آن را غیر طبیعی بداند، حاکی از آن خواهد بود که وی سالم نیست (۱). «این سینا» در دو کتاب شفا و قانون، صحت را تعریف کرده است و در هر دو کتاب، صحت را ملکه یا حالتی می‌داند که هر یک از جوارح و اعضای بدن انسان کار مربوط به خود را درست انجام دهد. مثلاً مزاج انسانی امر جذب و دفع را خوب انجام دهد (۲). این تعریف اختصاص به انسان تنها ندارد و شامل گیاه‌ها و دیگر حیوانات نیز می‌شود. در مقابل صحت، مرض قرار دارد و آن کیفیتی است که هر عضوی از اعضا کار مربوطه را به خوبی نتواند انجام دهد (۳). «محمد صالح مازندرانی» در شرح اصول کافی می‌گوید: «صحت» حالت یا ملکه‌ای است که کارها به واسطه آن حالت و یا ملکه به خوبی انجام می‌شود و در مسیر کمال قرار می‌گیرد و در مقابل مرض عبارت است از سالم نبودن و یا اینکه عبارت است از حالت و ملکه‌ای که کارها در مسیر کمال و رشد خود قرار نمی‌گیرد (۴). سلامتی و بیماری، فقط به شرایط فیزیولوژیک وابسته نیستند، بلکه بر افکار، هیجانات و انگیزه‌های فرد نیز وابسته‌اند (۱). شیخ‌الرئیس در شعری که سروده است، پزشکی را این چنین تعریف می‌کند: «پزشکی عبارت است از نگاه‌داری تندرستی و بهبود بخشیدن بیماری که از سبب و عرضی بر بدن وارد آمده. تقسیم آغازین آن به علمی و عملی برمی‌گردد و علم آن در سه بخش کامل می‌شود.» (۵) پس از بیان معانی واژگان تحقیق به تبیین موضوع می‌پردازیم.

### تبیین موضوع و ضرورت تحقیق

در فرهنگ اسلامی، تندرستی و دانش پزشکی از جایگاه بسیار بالایی برخوردارند. پیامبر اکرم (ص) دانش را به دو دانش ادیان و دانش ابدان تقسیم می‌کند (۶)، امام محمد باقر (ع) دانش پزشکی را برترین دانش دانسته است (۶) و قرآن کریم خود خداوند را طیب می‌داند (۷). امام علی (ع) در توصیف پیامبر (ص) می‌فرماید که او طیبی سیال و پویا بود که طبابت را بر بالین بیمار می‌برد (۸). علی

(ع) تندرستی بدن را بالاترین نعمت الهی می‌داند (۶) یکی از نام‌های خداوند سلام است (۷) یعنی سلامتی و یکی از نام‌های بهشت، دار السلام است (۷) و خداوند نیز جامعه و مردم را به سوی سلامتی فرا می‌خواند (۷). امام محمد باقر (ع) می‌فرماید: *وَأَعْلَمُ أَنَّهُ لَا عِلْمَ كَطَلْبِ السَّلَامَةِ وَلَا سَلَامَةَ كَسَلَامَةِ الْقَلْبِ* / آگاه باشید که هیچ علمی همانند تلاش برای سلامتی نیست و هیچ سلامتی هم مانند سلامتی قلب و دل نیست (۹). امام صادق (ع) سلامتی جسمانی را بالاترین نعمت الهی می‌داند و می‌فرماید: *النَّعِيمُ فِي الدُّنْيَا الْأَمْنُ وَصِحَّةُ الْجِسْمِ* / بهترین نعمت‌های الهی در دنیا عبارت است از: امنیت و تندرستی و سلامت جسمی (۱۰).

اهمیت و وجوب حفظ سلامتی و لزوم مراجعه به طبیب در هنگام بیماری و عدم کتمان مرض تا حدی مورد تأکید بزرگان بوده است که کتمان بیماری به عنوان خیانت شمرده شده است، امام علی (ع) می‌فرماید: *من كنتم الاطباء مرضه خان بدنه/ هر کس بیماری خود را از پزشکان پنهان دارد، به بدن خود خیانت کرده است.* (۱۱). علاوه بر امامان معصوم (ع)، در باب تندرستی و اهمیت آن نکات ارزشمندی از سوی بزرگان نقل شده است. شیخ-الرئیس می‌گوید: بزرگمهر را گفتم، از خدای چه خواهم که همه چیز خواسته باشم، گفت: سه چیز: تندرستی و توانگری و ایمنی. (۱۳) در جای دیگر می‌گوید: گفتم کدام چیز است که همه آن را جویند و کس آن را به جمله نیافتست، گفت چهار چیز: تندرستی، راستی، شادی و دوست مخلص (۱۳). ابوالحسن عامری می‌گوید: مرا بگذار از خوشی برخوردار گردم، پیش از آنکه از دست بروم، زیرا جوانی در حال رفتن است، زندگی چیزی نیست، جز تندرستی و جوانی. او یکی از ارکان زندگی را جوانی می‌داند (۱۴). ناصر خسرو قبادیانی می‌گوید: سپاس مر آن حکیم را که درد و بیماری و مرگ بر ما ازو سبحانه همچون زندگانی و تندرستی و نعمت اندرین سرای فنا حکمت است؛ و ما اندر حال نعمت و صحت مر او را شکر همی کنیم، و اندر حال رنج و شدت فریاد ازو همی جویم، چنانکه اندر کتاب عزیز اوست: *قوله «وَمَا بَكْمُ مِنْ نِعْمَةٍ فَمِنَ اللَّهِ (تَمَّ) إِذَا مَسَّكُمْ الضَّرُّ فَإِنَّهُ يُجْرِّونَ* / هر نعمتی که به شما رسیده از ناحیه خداوند است، ولی شما هرگاه که گرفتار مشکلی شدید رو به سوی او می‌کنید.» (۷، ۱۶). نکته بسیار مهم که در باب سلامتی وجود دارد و در مقاله‌های حوزه سلامت معنوی به آن اشاره شده (۱۷) این است که: سلامتی پیکره‌ای واحد و کلیتی تجزیه‌ناپذیر و متشکل از ابعاد درهم پیچیده جسمانی، روانی، معنوی و اجتماعی است که هر گونه تغییر و تحول در هریک از این ابعاد، به تغییر و تحول در آن می‌انجامد. به دیگر سخن، شیوه زندگی (Life Style) افراد و وضعیت سلامت فردی و روانی آنان تحت تأثیر شدید فرهنگ و نظام ارزشی جامعه بوده و نگرش افراد به زندگی، به جهان هستی، به انسان، به مرگ و غیره و رفتارهایی که در پی آن نگرش‌ها سر می‌زند، دارای نقشی اساسی در سلامتی و نیز ایجاد بیماری‌ها دارد. برای مثال نحوه زندگی مدرن غربی، خود در ایجاد و گسترش برخی بیماری‌ها نقش داشته است (۱۲). ملا صدرا می‌گوید: همانطور که غذاها و دواها در ادامه حیات بدنی و ابقای صحت و تندرستی و اعتدال مزاجی تأثیر دارند، عبادات شرعی و اعمال و افعال انسان هم در صحت و اعتدال حیات نفسانی و روحانی مؤثرند (۱۵). همان گونه که مشاهده شد، تندرستی و سلامت جسمی و همچنین اهتمام به دانش پزشکی در فرهنگ اسلامی از جایگاه بسیار بالایی برخوردار است، ولی نکته‌هایی که باید به آن پرداخته شود این است که

چگونه باید این سلامتی و تندرستی را حفظ کرد؟ در هنگام بیماری چه باید کرد؟ تعالیم اسلامی و آموزهای دینی چه کمکی به تندرستی انسان می‌تواند بکند؟ آیا می‌توان گفت نیازی به مراجعه به پزشک نداریم؟ آیا می‌شود گفت شفا فقط مربوط به خداوند است؟ آیا می‌توان گفت با آموزه‌های وحیانی و دستور-العمل‌هایی که از سوی پیامبر اکرم (ص) و اهل البیت (ع) رسیده است، می‌توانیم بیماران را معالجه کنیم؟ آیا می‌توانیم به طور کلی همه احادیث و روایات و توصیه‌های پزشکی که از سوی پیامبر اکرم (ص) و اهل البیت (ع) رسیده به یک‌باره کنار بگذاریم و بگوییم هیچ ارزش مادی و معنوی ندارد؟ آیا می‌توانیم راه حلی ارائه دهیم که هم ارزش معنوی و مادی احادیث و روایات را حفظ کنیم و هم مردم را دچار سرگردانی و در غلطیدن در طبابت‌های غیر علمی به نام اسلام نکنیم؟ و در نهایت باید به این سؤال پاسخ دهیم که، آیا همان طور که سلامت معنوی در بهبودی بیمار و سلامت جسمی و تندرستی مؤثر است، می‌تواند سلامت جسمی هم در اعتدالی معنوی و قرب به خداوند مؤثر باشد؟ همه این سؤالات و دهها سؤال دیگر در این عرصه وجود دارد که باید به آن پرداخته شود که ما در این مقاله تلاش کردیم با پرداختن به برخی از این موارد، راه را برای تحقیقات گسترده‌تر بگشاییم.

#### دانش پزشکی و جایگاه آن در فرهنگ اسلامی

برخی از عالمان دینی بر این باورند که علم طب مبدای الهی دارد و متکی به وحی است. شیخ مفید می‌گوید: طب دانشی است درست که آگاهی از آن، امری ثابت است و راه دسترسی به آن وحی است. آگاهان به این علم آن را از پیامبران گرفته‌اند. چون برای یافتن حقیقت بیماری و راه درمان آن راهی به جز آنچه از سوی پیامبران رسیده وجود ندارد و این تنها خداوند است که به همه علت‌ها آگاهی دارد (۱۸). برای تأیید این نظر به مطلبی که از سید بن طاووس رسیده استناد شده که: وقتی خداوند حضرت آدم (ع) را از بهشت فرود آورد او را از دانش‌های مختلف آگاه ساخت که از آن علوم علم نجوم و علم طب بود (۶). با این نظر علم طب از وحی سرچشمه گرفته ولی با تجربه و دانش بشری کامل شده است. البته این نظر خیلی مورد توجه علمای دیگر قرار نگرفته است و گفته‌اند البته وحی می‌تواند یکی از منابع دانش طب باشد و برخی از پیامبران بنا به اقتضای زمان و نیازهای جامعه زمان خود از دانش پزشکی بهره‌مند بوده‌اند، ولی اینکه بگوییم همه موارد مستقیم از راه وحی بوده مورد پذیرش نمی‌باشد. از سوی دیگر بر اساس آنچه در روایات پیامبر اکرم (ص) و اهل البیت (ع) رسیده، موارد فراوانی است که به علم طب اشاره دارد و حتی کتاب‌هایی در علوم طب به این بزرگواران نسبت داده می‌شود که به آن اشاره خواهد شد. همین روایات و احادیث وارد شده را برخی خواسته‌اند دلیل و شاهد قرار دهند که پیامبر اکرم (ص) و اهل البیت (ع) درباره علم طب صاحب نظر و صاحب رأی بوده‌اند و الان هم باید آموزه‌های آنان به عنوان دستورالعمل طبی مورد عمل قرار گیرد و طب اسلامی بر همین اساس شکل بگیرد. این نظر نیز مورد قبول عمده علما و دانشمندان واقع نشده است و به صراحت گفته‌اند: هر چند ما منکر علم پیامبر اکرم (ص) و علم امامان (ع) نیستیم و آنها به دلیل این که مستقیم و غیر مستقیم به منبع وحی متصل بوده‌اند، می‌توانستند درباره علم طب هم آگاهی‌های فراوان داشته باشند، ولی فلسفه دین و نگاه کلی معصومان، ورود مستقیم به حرفه پزشکی نبوده (۱۹) و تنها علمی که با صراحت از علم ادیان

می‌توان به عنوان تجویز پزشکی تعمیم داد و با دست‌مایه قرار دادن آن به معالجه بیماران همت گماشت؟

#### طب اسلامی، نقد و نظر

در پاسخ به سؤال فوق؛ دیدگاه‌ها و نظرگاه‌های فراوانی به وجود آمده است که از نفی کامل و رد عمل به هر آموزه و توصیه پزشکی و قبول صد در صدی و لزوم عمل کامل به آنها را پوشش می‌دهد و در این مسیر راه افراط و تفریط پیموده شده است. برای نمونه، «شیخ مفید»، طب و عالم پزشکی را یک مقوله کاملاً معنوی می‌داند و بر این عقیده است که دلایل و علت‌های بیماری و به تعبیر دیگر حقیقت بیماری با امور مادی قابل تشخیص نیست و دستیابی به درمان نیز نیازمند توفیق خاص معنوی می‌باشد و تنها راه دستیابی به تشخیص درست بیماری و آگاهی از درمان بیمار فقط از طریق بیانات و روایت‌های رسیده از سوی معصومین (ع) امکان‌پذیر است (۱۸). از سوی دیگر بزرگانی چون شیخ صدوق (ره) و دیگران برای حل ماجرا وارد شده‌اند و سعی کرده‌اند تا دیدگاه امامیه را در برابر این نوع از طب با دیدگاه‌های متفاوت و متناقض مطرح شده تبیین کنند. «شیخ صدوق» در کتاب اعتقادات-الامامیه می‌گوید عقیده ما به عنوان امامیه درباره اخبار وارد شده در باب طب و مسائل پزشکی دارای ابعاد مختلف می‌باشد.

● برخی از آن اخبار و توصیه‌ها متناسب با اقلیم و آب و هوای مکه و مدینه می‌باشد؛ لذا قابل تعمیم به دیگر اقلیم‌ها و شرایط آب و هوایی نیست.

● برخی دیگر از اخبار و توصیه‌ها مناسب حال بیمار خاص بوده است که امام معصوم (ع) با توجه به دانش و تشخیصی که پیدا کرده است، اقدام به توصیه نموده و احتمالاً دارویی را تجویز نموده است؛ بنابراین دسته‌ای از روایات نیز قابل تعمیم نیست.

● غیر از دو مورد فوق برخی از اخبار و روایات وجود دارد که مخالفان اسلام و اهل بیت (ع) برای بد نام کردن آنها و پایین آوردن منزلت و شأن علمی آنان در جامعه به صورت دروغ و ناروا از آنها نقل کرده‌اند و نسبت داده‌اند که این دسته از اخبار و توصیه‌ها باید مورد شناسایی قرار گیرد.

● برخی دیگر از اخبار وارده یا تمام یا بخشی از آن توسط نقل کننده فراموش شده است و یا برخی از تعابیر را از ظن و گمان خود به روایت‌ها افزوده و یا کاسته است.

با توجه به ابعدادی که به آن اشاره شد؛ بدون بررسی کامل و همه جانبه نمی‌توان از این احادیث و روایت‌های وارد شده از سوی معصومین (ع) احکام پزشکی را صادر و برای بیمار نسخه تجویز کرد.

این دیدگاه‌ها، به ویژه دیدگاه‌های «شیخ صدوق» تقریباً راه را هموار ساخته است و به نوعی موضوع را به عقلانیت نزدیک کرده است، به گونه‌ای که می‌توان از این احادیث و روایت‌ها به عنوان یکی از منابع و مصادر علمی در علم پزشکی استفاده نمود. ولی زمانی می‌تواند به عنوان یک دستورالعمل پزشکی استفاده شود که با عقل، تجربه و دیگر ره‌آورد‌های علوم پزشکی همراه شود.

نکته دیگری که باید متذکر شد این است که، تعالیم و دستورالعمل‌های صادره از سوی معصومان (ع) در امور عادی، عرفی و توصلی مانند امور عبادی نیست که جنبه تعبدی داشته باشد. این موارد از قبیل اوامر ارشادی و از جنس توصیلات است که عرف، عقلاً و عوامل دیگر برای فهم و صدور حکم قطعی شرعی دخالت دارد و رسیدگی آن به عهده مجتهدان و متخصصان آن رشته و

تفکیک شده همین دانش پزشکی است. چون به نقل از پیامبر اکرم (ص) علم دو قسم است: علم ادیان و علم ابدان (۶). از همین رو با بررسی متون اسلامی به ویژه آیات قرآن، احادیث و روایت‌های وارد شده از سوی پیامبر اکرم (ص) و ائمه معصومان (ع) در می‌یابیم که موضوع سلامت جسمی، سلامت روحی و روانی کاملاً مورد توجه راهنمایان اصلی دین اسلام بوده است و بخشی از تعالیم انبیا و اولیا اختصاص به سلامت در ابعاد مختلف داشته است و در همین راستا آموزه‌ها و دستورالعمل‌هایی صادر شده است. بنابراین در آگاهی نسبی اهل‌البیت (ع) به دانش پزشکی و در اهتمام معصومان (ع) نسبت به صدور تعالیم ویژه در باب سلامت جسمی و روانی تردیدی وجود ندارد، شاهد بر این ادعای و دلیل آن، وجود هزاران حدیث و روایت موجود است که حتی تحت عناوین کنا و جزوه‌های مستقلاً چون طب‌النبی (ص) طب‌الائمه (ع)، طب‌الرضا (ع) و غیره به رشته تحریر در آمده است، برای نمونه می‌توان به کتاب طب‌الائمه (ع) اشاره نمود. این کتاب توسط دو برادر به نام‌های عبدالله و حسین فرزندان بسطام بن سائبور الزیات نیشابوری نوشته شده است که از محدثان قرن چهارم بوده‌اند. این دو برادر در پی مسافرت‌ها و بازدیدهایی که از مرزهای کشورهای اسلامی داشته‌اند با بیماری و مشکلات بهداشتی و پزشکی رزمندگان اسلام مواجه می‌شوند؛ لذا تصمیم می‌گیرند با استفاده از تعالیم و روایت‌های وارد شده از سوی معصومین (ع) دستورالعمل‌های بهداشتی و پزشکی تهیه کنند و برای استفاده در اختیار رزمندگان اسلام و مرزداران قرار دهند. این کتاب شامل ۴۰۶ حدیث است که در ۲۴۵ عنوان آمده و ذیل هر عنوان دو خبر نقل گردیده است.

مجموعه دستورالعمل‌های ارائه شده شامل دو قسمت می‌باشد: قسمت اول مربوط به معرفی داروها و غذاهایی که می‌تواند در درمان بیماری‌های مختلف مؤثرند می‌باشد و قسمت دوم: ادعیه، اذکار و توصیه‌های معنوی است که می‌تواند در درمان بیماری‌های جسمی و روانی مؤثر باشند.

مؤلفان این کتاب سعی کرده‌اند حتی‌الامکان از احادیث و روایاتی استفاده کنند که مورد اعتماد باشد. هر چند این کار بسیار مشکل است، ولی تا حدود زیادی موفق به این کار شده‌اند به همین دلیل نوشته این دو مؤلف، مورد اعتماد بزرگانی چون شیخ حر عاملی در وسائل‌الشیعه و علامه مجلسی در بحار الانوار قرار گرفته است. این کتاب توسط "محمد مهدی خراسان" تحقیق و تصحیح شده است و در سال ۱۴۱۱ قمری توسط نشر دارالشریف الرضی در شهر قم چاپ و منتشر گردیده است (۲۰). علاوه بر این کتاب، غیر از بازار گرم کتاب‌های طب‌النبی (ص) که در کشورهای عربی به ویژه عربستان، مصر و لبنان چاپ و منتشر شده است، ده‌ها کتاب و رساله مستقل درباره طب از نگاه معصومین (ع) به رشته تحریر در آمده است که بیش از ۲۰ عنوان آن در مقدمه کتاب طب‌الائمه (ع) توسط خراسان معرفی شده است و محمدی ری شهری با تدوین دانش نامه احادیث پزشکی بیش از دو هزار و پنجاه روایت از پیامبر (ص) و دیگر اهل‌البیت (ع) آورده و حاوی مطالب بسیار مهمی در حوزه بهداشت، پزشکی و پیراپزشکی می‌باشد (۱۹) و همیشه علما و بزرگانی بوده‌اند که بر نشر این روایات تأکید فراوان داشته‌اند. ولی نکته‌ای که در این عرصه مورد تردید قرار گرفته این است که تا چه میزان می‌توان به این تعالیم و آموزه‌ها اعتماد کرد و به تعبیر دیگر کدام یک از این دستورالعمل‌ها را

بیمار دارد. مشکل اساسی احادیث و روایاتی است که توصیه‌های خاص و موردی برای درمان بیماری‌های خاص دارد؛ این احادیث را به همان دلایل که اشاره شد و مرحوم صدوق هم بر آن تأکید داشت، نمی‌توان بدون ارزیابی و بدون بررسی علمی پزشکی مورد عمل قرار داد (۱۹). استاد محمدی‌ری شهری برای حل این مشکل و محروم نشدن جامعه از بخشی از ذخایر علمی اهل‌البیت (ع) از یک سوی و گرفتار برخی از خرافات و نسخه‌های غیر علمی نشدن از سوی دیگر، پیشنهادی را ارائه داده است و آن عبارت از این است که: این احادیث و روایات رسیده از سوی پیامبر اکرم (ص) و اهل‌البیت (ع) به‌عنوان یکی از منابع وحیانی قابل بررسی در دستور کار مراکز علمی و پزشکی قرار گیرد و اگر در آزمایشگاه‌ها قرینه علمی و عقلی برای مفید بودن آن‌ها پیدا شد و به تعبیر دیگر مورد قبول جامعه علمی پزشکی قرار گرفت و آزمایش‌ها مثبت بود، مورد عمل قرار گیرد. ولی اگر مورد آزمایش قرار نگیرد و یا مورد قبول جامعه علمی و پزشکی قرار نگیرد، مسکوت باقی بماند و عمل به آن توصیه نشود (۱۹). وی پس از ارائه این راه‌حل بیان می‌دارد که انگیزه اصلی من که اقدام به تدوین دانشنامه احادیث پزشکی نمودم همین بود که زمینه‌های ایجاد کم‌تا احادیث پزشکی به‌عنوان یک مرجع و منبع، مورد ارزیابی از طریق آزمون علمی قرار گیرد، لذا مخاطب اصلی احادیث پزشکی و احادیثی که توصیه درمان دارد، مردم عادی و افراد غیرمتخصص نیستند بلکه مخاطب، پژوهشگران علوم پزشکی و مراکز تحقیقی و علمی پزشکی هستند. (۱۹)

#### تندرستی و تأثیر آن بر سلامت روحی و معنوی

واژه‌های عافیت، صحت، سلامتی، تندرستی و دیگر واژگان مشابه و تأثیر و ارتباط آن‌ها با ارتقا و رشد عرفانی، علمی و معنوی، در فرهنگ دینی و عرفانی از جایگاه بسیار بالایی برخوردار است. علاوه بر قرآن مجید که اشاره شد کلمات و احادیث ارزشمندی از سوی امامان (ع)، اولیای الهی، عرفا و حکما در این باره وجود دارد که به آن اشاره خواهد شد: امام سجاد (ع) در دعای ۲۳ از خداوند خواستار عافیت و تندرستی همه‌جانبه شده است و با عبارت‌های مختلف بیش از ۱۰ بار درخواست عافیت، تندرستی و آسایش کرده است. در بخشی از این دعا می‌فرماید: خدایا، بر محمد و خاندانش درود فرست و تن درستی را لباس تنم کن، و سراپای مرا به تن درستی فرو پوشان و با آن مرا امان بخش و گرامی بدار و بی‌نیاز گردان، و تن درستی را به من صدقه ده و آن را مال من کن و همچون فرشی زیر پایم بگستران، و آن مایه‌ی بیماری که در من است، به تن درستی بدل فرما، و میان من و تن درستی، در این جهان و آن جهان، جدایی می‌فکن. خدایا، بر محمد و خاندانش درود فرست و مرا تن درستی بخش؛ تن درستی‌ای که مرا بس باشد و شفابخش و چیره بر هر بیماری، و روزافزون باشد و در تن من تندرستی زاید؛ تندرستی در این جهان و آن جهان. بر من منت گذار و سلامت و امنیت و بی‌عیبی در دین و بدن، و دل آگاهی و پیشرفت و استواری در کارها، و دلواپسی و ترس از خود را به من عطا فرما، و نیرویی ده که با آن به فرمان تو به راه طاعت روم و از آنچه مرا از آن باز داشته‌ای، بپرهیزم. (۲۲)

همچنین امام سجاد (ع) در دعای ۱۵ که هنگام وارد شدن بلا و بیماری و مشکلات توصیه کرده‌اند مطالب قابل ملاحظه بیان داشته‌اند که نیاز به تأمل فراوان دارد. در این دعا می‌فرماید: بار خدایا، تو را سپاس بر نعمت تندرستی بدن که همواره و پیوسته از

موضوع می‌باشد. بنابراین نمی‌توان با استناد به یک حدیث و روایت وارد شده و یا آموزه‌های صادر شده در باب مداوا و معالجه بیمار توسط معصومان (ع) به معالجه بیمار پرداخت و آن را حکمی قطعی دانست. ولی می‌توان از توصیه‌ها و تجویزهای رسیده با شرایطی که بیان خواهد شد، از سوی معصومان (ع) به‌عنوان یک منبع برای شکل‌دهی دانش پزشکی بهره برد. بنابراین، با پذیرفتن اصل این موضوع که حداقل معصومان (ع) نیز مانند سایر علما و حکما؛ علاوه بر دانش و تجربه علمی، با اتصالی که به منبع وحی داشته‌اند، صلاحیت صدور دستورالعمل‌هایی برای معالجه بیماران را دارا بوده‌اند، ولی موضوع و نحوه استفاده و تعمیم آن به‌صورت جدی قابل بررسی می‌باشد که در این زمینه لازم است:

اولاً: مجموعه احادیث و روایت‌های صادر شده از سوی معصومان (ع)؛ توسط متخصصان و حدیث‌شناسان از نظر صحت سند و متن؛ مورد بررسی قرار گیرد و به‌صورت دقیق ارزش‌گذاری شود و روشن گردد که به این حدیث و روایت صادر شده چه میزان می‌توان اطمینان پیدا کرد که از معصومان (ع) صادر شده است. چون همان‌گونه که اشاره شد، احادیث وارد شده مجموعه‌ای غیر پالایش شده است و تشخیص آن نیازمند تخصص ویژه می‌باشد.

ثانیاً: پس از این که میزان اعتماد به صحت سند و متن معلوم شد، نوبت به مراحل بعد می‌رسد که باید مورد بررسی جدی قرار گیرد که این توصیه‌ها و تجویزها چقدر محدود به زمان و مکان و مورد خاص است و به چه میزان کلی است و قابل تعمیم می‌باشد. استاد «محمدی‌ری شهری» پس از جمع‌بندی دیدگاه‌ها و نظرگاه‌ها می‌گوید: هر چند علی‌الاصول دیدگاه شیخ صدوق درست است و غالب روایات طبی اهل‌البیت (ع) فاقد سند هستند و زمینه جعل در آن‌ها به‌صورت جدی وجود دارد، لیکن حاصل این نوع ارزیابی بی‌بهره شدن مردم از بخشی از ذخایر اهل‌البیت (ع) خواهد بود. زیرا ضعف سند بدون تردید نشانه عدم صدور حدیث نیست، چنانکه درستی سند حدیث هم دلیل بر قطعی‌الصدور بودن حدیث نیست. بنابراین نه می‌توان همه احادیث و روایات رسیده از سوی اهل‌البیت (ع) را درباره طب در اختیار مردم گذاشت تا بر اساس آن عمل کنند و نه می‌شود همه آن‌ها را کنار گذاشت. وی بعد از این بررسی احادیث طبی را سه دسته می‌کند اول: احادیثی که بیشتر جنبه دعا دارد و جزء اعجاز و کرامات اولیای خدا می‌باشد، مانند آنچه حضرت عیسی (ع) با اذن خداوند بیماران را شفا می‌داد (۷). دوم: احادیثی که درباره پیش‌گیری از بیماری‌ها وارد شده مانند دستورالعمل‌ها برای نظافت شخصی و برخی از دستورالعمل‌ها برای نحوه خوردن و آشامیدن و... سوم: احادیثی که درباره درمان بیماری‌ها نقل شده است که این هم دو قسمت است: بخش اول مربوط می‌شود به شفا خواستن به‌وسیله دعا و آیات قرآن از خدا و بخش دوم: درمان از طریق دارو. دسته اول که مربوط به بخش کرامات و معجزات است و در جایگاه خود بسیار مهم است ولی ربطی به دانش پزشکی ندارد، دسته دوم هم چون توصیه‌های کلی پیش‌گیرانه است و عمده آن‌ها هم بر عقل و منطق استوار است و به‌عنوان علت تامه و علت اصلی پیش‌گیری هم نیست اشکالی پیش نمی‌آورد و تا حدودی به آن‌ها می‌شود عمل کرد و در دسته سوم، آنچه مربوط می‌شود به توصیه‌ها درباره آیات قرآنی و برخی از دعا‌های مجرب، این هم قابل عمل است که به امید شفا خواستن از خدا و نوعی تضرع به درگاه الهی می‌باشد که در کنار دارو و درمان توصیه می‌شود و آثار مثبت جسمی و معنوی فراوانی برای

سست و عقاید فاسد و خرافات و اعمال ناروا و کارهای نادرست خواهد شد. (۲۳)

ارسطو می‌گوید: با تدبیر و مدیریت جسم و با راه و چارچوب معین شهوات نفس متعادل می‌شود و با پیروی از برنامه‌های منظم، صحت نفس از راه صحت جسم به دست می‌آید چون «النفس الصالحة فی الجسم الصالح / نفس صحیح در جسم صحیح است» این بدن است که در ابتدا روح را شکل می‌دهد و تنظیم می‌کند و این جسم است که زمینه را برای روح مهیا می‌سازد و پس از اینکه آرامش و سلامتی را به روح داد در حرکتی متقابل از آن بهره‌مند می‌شود و این همکاری روح و جسم یک نعمت بزرگ به حساب می‌آید (۲۴)

حکیم ترمذی می‌گوید: چنین دریافت کردم که روح در تمام اندام و اجزای انسان از موی سر تا ناخن پا وجود دارد لذا اگر مشکل، درد، ناراحتی و عارضه‌ای برای هر جزئی از بدن پدید آید بلافاصله بر روح هم اثر می‌گذارد چون روح در همه جای بدن حضور دارد. (۲۵) غزالی می‌گوید: بدن مرکب نفس است که بر او سوار می‌شود و به پیش می‌رود. بدن برای نفس انسان در پیمودن راه الهی همانند شتری است که در رفتن به حج استفاده می‌شود و مانند ظرف آبی است که بدن به او محتاج است. بنابراین هر علمی که هدف آن برای تأمین مصالح بدن باشد در واقع علمی است که به مصلحت کسی است که سوار بر آن شتر است و علم طب چنین علمی است که انسان برای حفظ صحت و سلامتی نیازمند او است. وی علم فقه و علم طب را برابر می‌داند و می‌گوید: علم فقه برای جایی است که انسان تنها نیست و می‌خواهد با دیگران تعامل داشته باشد ولی علم طب این چنین نیست و حتی زمانی که تنها هم باشد مورد استفاده او است. به‌وسیله طب، قوا و حالت‌های درونی انسان متعادل می‌شود و باسیاست و عدالت، اعتدال در قوا و محرک‌های بیرونی پدید می‌آید و هردوی آن‌ها یعنی فقه و طب برای سواره‌ای است که می‌خواهد راه به‌سوی خداوند را طی کند (۲۶). ابن‌نصر فارابی می‌گوید: همان‌گونه که تندرستی و صحت بدن مربوط می‌شود به اعتدال مزاج انسان و بیماری آن مربوط می‌شود به انحراف و به هم ریختن مزاج داخلی انسان، همین‌گونه هم صحت و تندرستی و پابرجایی مدینه مربوط می‌شود به اعتدال شهروندان و اهل مدینه و بیماری مدینه هم بر گشت می‌کند به تفاوت و اختلالی که در اخلاق و رفتار اهل مدینه پدید می‌آید. در اینجا وقتی بدن از اعتدال خارج شد، طیب است که اعتدال را به تن بر می‌گرداند و وقتی که اخلاق و اعتدال مدینه به هم ریخت، مدنی است که باید اعتدال را برگرداند، پس مدنی و طیب یک مسؤلیت مشترک دارند (۲۷). یکی از عرفای بزرگ به نام «ذوالنون» به یاران خود توصیه می‌کند و می‌گوید: ای برادر من! این را بدان که، هیچ شرف و بزرگی مانند اسلام نیست و هیچ کرم و بزرگواری چون تقوی نیست و هیچ عقلی برتر و نگره‌دارنده‌تر چون ورع و پاکدامنی نیست و هیچ شفیع و واسطه‌ای نجات‌بخش از توبه و هیچ لباس و پوششی زیباتر از عافیت و راحتی و هیچ سنگر و نگهبانی محکم‌تر و مطمئن‌تر از سلامتی نیست (۲۸). بزرگان تعلیم و تربیت در کتاب‌های اخلاق و عرفانی بابی را برای حفظ سلامت و بهداشت تن اختصاص می‌دادند و از رهروان می‌خواستند که برای رسیدن به مدارج معنوی و علمی باید بهداشت تن را رعایت کنند، همه نوع غذایی نخورند و برای خوردن و خوابیدن خود برنامه معین و منظم داشته باشند. که به برخی از آن‌ها اشاره می‌شود:

آن برخوردار بودم، و سپاس تو را بر آن بیماری که در جسمم پدید آورده‌ای، خدایا، ستایش برای توست به خاطر آن تندرستی که همچنان از آن برخوردارم، و ستایش برای توست بر این بیماری که در تنم پدید آوردی. ای معبود! من، نمی‌دانم کدام‌یک از این دو حالت به شکرگزاری سزاوارتر است و ستایش در کدام‌یک از این دو هنگامه شایسته‌تر. آیا هنگام تندرستی که روزهای پاکیزه‌ی خود را بر من گوارا ساخته بودی و مرا در طلب خشنودی و بخشش خود به نشاط آورده بودی و به فرمان‌برداری خود توفیق می‌دادی و نیرو می‌بخشیدی؟ یا هنگام بیماری که مرا به آن آزمودی و آن را همچون نعمتی به من ارزانی کردی تا بار سنگین گناه را بر پشت من سبک گردانی و مرا از آلودگی‌های نافرمانی پاکیزه سازی و هشدارم دهی که توبه کنم و به بادم آوری که قدر نعمت پیشین را بدانم و زنگار گناه را از دلم بردارم؟

سپس ادامه می‌دهند: خدایا، بر محمد و خاندانش درود فرست و آنچه را خود برای من می‌پسندی، در چشم دلم آراسته گردان، و آنچه را خود بر سرم می‌آوری، بر من آسان ساز. مرا از پیدایی گناهان پیشین پاکیزه کن، و از گزند آنچه کرده‌ام، دور فرما. شیرینی تن درستی را در من پدید آور و گوارایی سلامت را به من بچشان، و چنان کن که چون از این بیماری به در روم، خود را به آموزشت رسانم و بهبود حالم با گذشت تو از گناهانم پیوند خورد، و چون از چنبر اندوه رهایی یابم، در گستره‌ی رحمت پای نهم و تن درستی‌ام با کشایش و آسایش از سوی تو همراه شود (۲۲) در این دعای بسیار ارزشمند بیماری و سلامتی و ارتباط این دو باهم به خوبی تبیین شده است و هردو، نعمت خداوند فرض شده است و در هر دو به‌عنوان یک فرصت نگریسته شده است. از فرصت سلامتی برای نشاط در عبادت و تقرب به‌سوی خداوند و از دوران بیماری برای بازگشت به خویشتن و توبه و استغفار. امام سجاد (ع) آن‌چنان به این دو نعمت الهی نگریسته که می‌فرماید: نمی‌دانم شکر کدام‌یک از دو نعمت را بیشتر بجای آورم، شکر تندرستی را و یا شکر بیماری را؟! چون هر دو خیر بزرگ برای من در پی خواهد داشت.

حضرت امام صادق (ع) نیز درباره سلامتی فرمود: در هر مکان و به هر حالی که هستی سلامتی را برای دین و دل و انجام امور خود از پیشگاه پروردگار متعال بخواه، زیرا سالم بودن از خطر و عیب و نقص نه به آن آسانی است که هر کس بخواهد زود آن را دریابد. پس چگونه می‌تواند موفق به سلامتی باشد آن کسی که خود را در معرض فتنه و گرفتاری قرار داده، و راهی را سلوک می‌کند که بر خلاف سلامتی دین و دل است، و بلکه با اساس و اصول سلامتی که پیروی از دلالت عقل و از راه دین و ترک هوی و هوس است مخالفت کرده، و سلامتی و نجات را در هلاکت و گرفتاری دیده، و تصور می‌کند که هلاکت و خسارت در راه نجات و سلامتی است. مصطفوی در شرح حدیث امام صادق (ع) می‌گوید: همین طوری که با تندرستی و سلامتی بدن توفیق عبادات و اعمال صالح و کارهای نیکو حاصل می‌شود، و اگر بدن سالم نشد، کارهای نیکو انجام دادن نیز به‌سختی صورت خواهد گرفت: قلب سالم و دین سالم نیز چنین است. دل اگر صاف و پاک و سالم نشد، اعمالی که از قلب برمی‌خیزد ناسالم خواهد شد، قصد پاک، نیت خالص، فکر خوب، و روحانیت و نورانیت دل، در اثر سلامتی دل است. دل اگر سالم نشد، حرکات و کارهای انسان توأم با نیت سوء و فکر ناپاک و خودبینی و خودنمایی و آلودگی‌های دیگر است. و دین انسان اگر سالم و صحیح نشد، آلوده به هزاران افکار

برای تقرب الهی می‌دانند که شاید این راه برای بر خسی از اولیای الهی راه گشا باشد ولی به‌عنوان یک نسخه عمومی قابل اجرا نیست، چون عملاً نشان داده شده است که انسان‌های مریض و بدحال حتی حوصله عبادت و ذکر و صلوات هم ندارند. آنان فاقد نشاط لازم برای عبادت و نماز و روزه می‌شوند و قدرت انجام هر کاری را از دست می‌دهند بنابراین برای رشد و شکوفایی معنوی جامعه نیازمند به مقدماتی است که یکی از ارکان آن سلامت جسمی است و رکن دوم آن امنیت است. لذا اگر سرمایه‌گذاری برای توسعه ظرفیت‌های سلامت جسمانی و تندرستی جامعه نشود انتظار توجه معنوی و روحی انتظار به‌جایی نیست

#### نتیجه

از مجموع آیات، روایات و گفتار عالمان و عارفان دریافته‌ایم که: اولاً تندرستی و سلامت جسمی در فرهنگ اسلامی از اهمیت بسیار بالایی برخوردار است. ثانیاً: دانش پزشکی یک از دانش‌های بسیار مورد احترام و مقدس است و اجر و پاداش آن فقط این دنیایی نیست. ثالثاً: در فرهنگ اسلامی و روایات رسیده از سوی پیامبر اکرم (ص) و اهل‌البیت (ع) توصیه‌های پزشکی فراوانی وجود دارد که فقط در دانشنامه پزشکی بیش از دو هزار و پنجاه روایت به دست ما رسیده است که این تعداد از بین هزاران روایت انتخاب گردیده است. مشکل اساسی در این روایات این است که علاوه بر ضعف سند در بسیاری از این روایات به دلایلی که تبیین شد امکان بهره‌مندی از همه این روایات نیست و از سویی هم اگر بخواهیم همه این روایات را کنار بگذاریم جامعه را از یک امکان بزرگ علمی و معنوی محروم کرده‌ایم. لذا به این نتیجه رسیدیم که روایات به سه دسته تقسیم می‌شوند دسته اول روایاتی که جنبه معجزه و کرامات از سوی اولیاءالله دارد که این دسته از موضوع بحث خارج است. دسته دوم روایاتی که بیشتر بهداشت و طب پیشگیری است که این دسته از روایات اگر با منع عقلایی مواجه نبودند و با تشخیص دانش پزشکی دارای مشکل خاصی نبودند قابل عمل برای عموم می‌باشد و دسته سوم که توصیه‌های در مانی است. که این هم بر دو گونه بود یا توصیه‌های معنوی است مانند شفاگیری از آیات قرآنی و یا برخی از دعاها که این روایات اگر مشکل سندی نداشتند قابل عمل می‌باشند و اما روایاتی که توصیه‌های در مانی دارند و حالت نسخه عمل برای بیمار می‌باشد عمل به این دسته از روایات مورد قبول بزرگانی چون شیخ صدوق و دیگران نیست و روایت‌هایی هم وجود دارد که عمل به آن‌ها به دلیل اختلاف مزاج‌ها و اختلاف مناطق و... منع شده است و مهم‌ترین کاربرد این روایات این است که به‌عنوان یک منبع علمی کهن و معنوی توسط عالمان پزشکی و در آزمایشگاه‌ها مورد آزمون قرار گیرد و در صورت تأیید دانش پزشکی به آن‌ها عمل شود. مطلب دیگری که از آیات و روایات و مجموع کلمات بزرگان به دست آمد، سلامت جسمی و تندرستی جزء دعاها و درخواست‌های بزرگان دین بوده است و همواره برای کسب سلامتی تلاش کرده‌اند و مردم را در فراگیری دانش پزشکی تشویق کرده‌اند و در مجموع، جسم و بدن را ظرف روح و نفس دانسته و جسم را همانند مرکبی می‌دانند که باید جسم و روح را حمل کند، لذا اگر این ظرف آلوده باشد، محتوا را نابود می‌کند و اگر این مرکب مریض و ناتوان باشد نمی‌تواند سالک را به مقام قرب الهی برساند و سلامت روحی و معنوی را برای او فراهم سازد بنابراین

خواجه نصیرالدین طوسی در کتاب آدب المتعلمین که منسوب به او است، به آسیب‌شناسی نحوه در س خواندن طلاب و دانشجویان می‌پردازد و بیان می‌دارد که بسیاری از دانشجویان و طلاب، تلاش زیادی می‌کنند ولی عملاً موفق به رسیدن به مدارج علمی نمی‌شوند. وی موضوع را بررسی و توصیه‌های مختلفی را ارائه می‌دهد که بخش عمده آن مربوط می‌شود به بهداشت و حفظ سلامتی و رعایت نکاتی در نوع خوردن، خوابیدن، رعایت بهداشت شخصی و... در این کتاب تصریح می‌کند که: گناه باشد که کسالت و خمودگی از کثرت بلغم و ازدیاد رطوبات متولد شود و راه کاهش دادن آن کم خوردن است زیرا فراموشی از بلغم زیاد پدید آمده و زیادی بلغم از کثرت شرب آب به وجود می‌آید و زیاد نوشیدن آب از پرخوری حاصل می‌شود و نان خشک بلغم و رطوبت را از بدن قطع و ریشه‌کن می‌نماید. (۲۹) و برای جلوگیری از نسیان و فراموشی نسخه‌ای می‌پیچد و می‌گوید: از جمله اسباب حفظ و بر طرف شدن نسیان زدن مسواک و خوردن عسل و تناول نمودن کندر با شکر و خوردن بیست‌ویک دانه کشمش قرمز در هرروز می‌باشد (۲۹). شیخ احمد نراقی در کتاب اخلاقی خود معراج السعاده بدن را مرکب نفس می‌داند و می‌گوید: هرکسی مرکب است از نفس و بدن، پس بدان که حقیقت آدمی و آنچه به سبب آن بر سایر حیوانات ترجیح دارد همان «نفس» است که از جنس ملائکه مقدسه است و «بدن» امری است عاریت، و حکم مرکب از برای نفس دارد، که بدن مرکب سوار شده و از عالم اصلی و موطن و جایگاه حقیقیه این دنیا آمده، تا از برای خود تجارتی کند و سودی اندوزد و خود را به انواع کمالات بیاراید، و اکتساب صفات حمیده و اخلاق پسندیده نماید، و باز مراجعت به وطن خود نماید. حضرت پروردگار برای هر روحی که از زادگاه عالم تجرد است بدنی را معین کرده تا از منافع و مداخل آن شهر امکانات خود را تهیه دیده و مسافرت به عالم قدس کند و سزاوار خلوت خانه انس گردد (۳۰). شیخ محمد بهاری در یکی از نامه‌های عرفانی خود که به سفیر بغداد می‌نویسد می‌گوید: از برای طالب معرفت شروط لابد من مراعاتها. (یعنی طالب معرفت را شروطی است که چاره‌های جز مراعات شروط نیست اول: باید صحیح المزاج باشد، اگر علتی در مزاج هست باید به معالجه آن پردازد، چه اینکه اگر سودا غالب آید، پاره‌ای از حرکات سوداویه را شور عشق پنداشته مغرور گردد و اگر صفرا و حرارت غلبه کند، خشکی دماغ و خفقان قلب و سوء الخلق فوق العاده حاصل گردد، اگر بلغم زیاد باشد، قصور در فهم مسائل دقیقه پیدا خواهد کرد. فلا بد من اعتدال المزاج (۳۱)

#### بحث و بررسی

همان‌گونه که بیان شد، در فرهنگ اسلامی و در متون و حیاتی و گفتار علما و عرفا درباره اهمیت و جایگاه دانش پزشکی و تأثیر سلامت جسمی بر سلامت معنوی چند چالش بزرگ وجود دارد. اول: درباره مبدأ علم پزشکی است که برخی می‌گویند: مبدأ علم پزشکی وحی است و برخی مخالف این نظر و گروهی هم جمع کرده‌اند. دوم جایگاه دانش پزشکی و قبول و یا رد طب اسلامی و یا دانش پزشکی مبتنی بر روایات و آموزه‌های معصومین است که در این زمینه هم راه افراط و تفریط پیموده شده است که در این مقاله تلاش شد تا به یک پاسخی قابل قبول برسیم. سومین مطلب قابل بحث نقش و سهم سلامت جسمی بر سلامت معنوی و روحی است که برخی برای تندرستی سهم زیادی قائل نیستند و وجود درد و بیماری را یک نعمت الهی می‌دانند و درد و بیماری را دریچه‌ای

13. Avicenna, Zafarnameh. Bou-Ali Sina University; 2004; p. 3, 6.
14. Alameri R. Alameri epistles. Tehran: Academic Press Center; 1996; p. 190.
15. Sadr Al-Motalehin. Kasr al-Asnam. Translated by Jahangiri. Tehran: Hekmat Sadra Foundation; 2002; p.68.
16. Qubadiani NK. Jame-al Hekmatin. Moein M, editor. Tahuri Library; 1984; p. 84.
17. Abolghasemi MJ. Semantics of spiritual health and its religious scope. Med Ethics J2012; 6(20): 45-68. [in Persian]
18. Al-Sheikh Al-Mofid. Tashih al-Itiqadat. 2<sup>nd</sup> ed. Qom: Sheikh Mofid Congress; 1411 AH; p. 144, 145.
19. Reyshahri M. Dar al-Hadis. Medical Encyclopedias. 11<sup>th</sup> ed.; 2011. Vol 1, p. 16, 18-20.
20. Khorsan MM. Teb al- A'emeh (AS). 2<sup>nd</sup> ed. Qom: Dar Al-Sharif; 1411 AH; p.14.
21. Sheikh Sadooq. Eteqadat al-Emamieh. Qom: Sheikh Mofid Congress; 1414 AH; p.115.
22. Imam Sajad (AS). Sahifeh Sajadieh. Tehran: Faghih Publication; 1997; p. 110, 154.
23. Imam Jafar ibn al-Sadeq (AS). Mesbah al-Sharia. Tehran: Islamic Association of Wisdom and Philosophy; 1981; p. 101-102.
24. Aristotle. Ilm al-akhlāq ilā Nīqūmākhūs. Cairo: Dar Sadir; 1964; Vol 2, p. 24. [in Arabic]
25. Turmazi, A. Keifiat al-Solouk ila rab al-alam. Beirut: Dar al-Ketab Elmia; 1428 AH; p. 86. [in Arabic]
26. Ghazali, AHM. Ihyā' 'Ulūm al-Dīn. 1<sup>st</sup> ed. Beirut: Dar al-Ketab al-Arabi; Vol 1, p. 92. [in Arabic]
27. Farabi, AN. Fosol al-Montaze. Fouzi N. editor. Tehran: Al-Maktab al-Zahra (AS); 1405; p. 25.
28. Tousi AN. Ilama fi tasawuf; 1914; p. 265. [in Arabic]
29. Tousi ND. Adab al-Muta'allimin. Qom: Hazeq; 1991; p.29, 41.
30. Naraghi A. Meraj al-Sa'adat. Tehran: Howzeh Elmieh; 1969, p. 33.
31. Bahari M. Tazkirat al- Muttaqin. Afrasiabi A, editor. 11<sup>th</sup> ed. Qom: Nahavandi Publications; 2014; p. 126.

بین سلامت معنوی و سلامت جسمی رابطه معناداری وجود دارد که هر دو در هم تأثیر متقابل دارند .

#### تشکر و سپاس‌گزاری

لازم می‌دانم از تشویق‌ها و مشاوره‌های بسیار خوب جناب آقای دکتر محمود عباسی که در شرایط سخت گسترش کرونا و جان باختن جمع زیادی از مردم جهان به‌ویژه مردم شریف ایران، باعث شدند که گامی کوچک در تبیین علمی تندرستی و سلامت جسمی و تأثیر آن بر سلامت معنوی از نگاه متون وحیانی برداشته شود ابراز دارم

#### عدم تضاد منافع

این مقاله به‌صورت کامل توسط نویسنده سطور تألیف و تدوین شده و در رفرنس‌ها هم امانت کامل رعایت شده لذا تضاد منافع علمی با کسی و جایی ندارد.

#### References

1. Demathew, MR. Health psychology. Translated by Kaviani M. et al. 1st volume. SAMT publications; 2008. p. 5, 6, 192, 232, 233.
2. Tahanawi MA. Kashaf Estelahat-el-Fonun. Makta- bat-al-Lobnan Nasheroun. Beirut 1996, p. 1062. [in Arabic].
3. Avicenna. The canon of medicine. 1<sup>st</sup> ed. Tehran: Morsel; 2007, p: 67.
4. Mazandarani, MS. Sharh 'Usul Kafi; 1082 AH, p.163.
5. Avicenna. Five Treaties in Arabic and Persian (Panj Resala) .Yarshater E. edit. Hamedan: Bou-Ali Sina University; 2004; p. 24.
6. Majlesi MB. Biar al-Anwar. Beirut: Darahiyat al-Arab al-Arab; 1403 AH, vol 1, p. 218, vol 70, p.51, vol 58, p.275, vol 78, p.164. [in Arabic]
7. The Holy Quran. 26:11, 59:23,6:127, 5:16, 16:55, 3:49.
8. Ali ibn Abi Talib (AS), Imam A. Nahjbalaqeh. Qom: The Institute of Religion; 1414 AH, Khutbah 181, p. 68. [in Arabic]
9. Harani, AMH. Tuhaf al-Uqul. Translated by Ibn Sh'abeh. Qom: Jam'eh Modarresin; 1984, p. 286.
10. Ibn Babawayh. Ma'ani l-akhbar. 1<sup>st</sup> ed. Qom; 1403 AH ; p. 408. [in Arabic]
11. Tamimi Amdi AW. Gharr al-Hakam. Qom: Daftar Tabliqat; 1987, p. 485. [in Arabic]
12. Erfani, D. The role of religion in disease prevention and treatment. Bagheroloum Research Center; 2016.